

## فره‌نخبگان

# فردوسی

<div><div><span><span>🇮🇷</span></span><div><div><span><span></span></span></div><div><div>🇮🇷</div></div></div></div><div></div></div>
<div><div><span><span>چهارشنبه ۲۰ دی ۱۴۰۲</span></span></div></div>
<div><div><span><span>شمارهٔ ۴۰۵۴</span></span></div></div>
<div><div><span><span>🌐</span></span></div></div>
<div><div><span><span>www.fdn.ir</span></span></div></div>
<div><div><span><span>🌐</span></span></div></div>
<div><div><span><span>FARHIKHTEGANDAILY</span></span></div></div>

## فردوسی

<div><div><span><span>🇮🇷</span></span><div><div><span><span></span></span></div><div><div>🇮🇷</div></div></div></div><div></div></div>
<div><div><span><span>چهارشنبه ۲۰ دی ۱۴۰۲</span></span></div></div>
<div><div><span><span>شمارهٔ ۴۰۵۴</span></span></div></div>
<div><div><span><span>🌐</span></span></div></div>
<div><div><span><span>www.fdn.ir</span></span></div></div>
<div><div><span><span>🌐</span></span></div></div>
<div><div><span><span>FARHIKHTEGANDAILY</span></span></div></div>

بخش اعظمی از فلسطینی‌ها در اردن حضور دارند و قسمتی از آنها توانسته‌اند در ساختار سیاسی اردن جذب شوند و به مقامات بالا و نخبگان جامعه اردن افزوده شوند. با این حال بخش بزرگی از فلسطینی‌ها دارای حقوق اساسی نیستند. اساسا نمی‌توانند اشتغالزایی داشته باشند، منبع درآمد برای خود ندارند و نمی‌توانند به فلسطین اشغالی تردد کنند. بخش کوچکی از آنها تعهدات لازم و التزامات طرف اسرائیلی را پذیرفتند و کارت‌های ترددی دارند که از طریق پل ملک حسین تردد می‌کنند، لکن بخش بزرگتر فلسطینی‌ها به صورت طبیعی و به صورت کوچ اجباری در اردن سکنی دارند و از حقوق اساسی و فرآیند اشتغالزایی هم محروم هستند و به عنوان پناهنده در اردوگاه‌ها سکونت دارند.

چیزی که اهمیت دارد التزام اردن به امنیت رژیم صهیونیستی بر اساس توافق وادی عربیه است. پیش از آن فلسطینی‌های اردن از طریق بحرالملت با شنا به اراضی اشغالی وارد شده و عملیات مجاهدانه و مقاومتی خود را علیه نیروهای صهیونیستی انجام می‌دادند اما رفته‌رفته بعد از وادی عربیه و تعهدات امنیتی اردن به رژیم اسرائیل مخصوصا گسترش توسعه مناسبات دیپلماتیک بین دو طرف، اردنی‌ها تعهد و التزامات امنیتی خود به رژیم صهیونیستی را مستحکم کردند. اردنی‌ها همیشه نگران این هستند که کرانه از طریق اردن منتهب شود. در عملیات طوفان الاقصی دیدیم وضعیت اردن منتهب شد و مردم این کشور از مسیر شهر امان (پایتخت) به سمت دریای مرده حرکت کرده و عراقی‌ها به مرز مشترک با اردن آمدند تا بتوانند از مسیر اردن به سرزمین‌های اشغالی و کرانه باختری هجوم ببرند. دولت اردن مانع از این اقدامات شدند و همواره خواهان این هستند که مناسبات دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی قطع نشود، زیرا مناسبات اردن، ایالات متحده آمریکا و غرب می‌تواند بر اقتصاد و معیشت تاثیرگذار باشد. اردن از این امر تخطی نخواهند کرد و پاسداشت حریم امنیتی اسرائیل یکی از الزامات و التزامات پابرجایی پادشاه بر کرسی پادشاهی است. اگر تخطی کند این موقعیت از او سلب خواهد شد. اردن با این فرض که همواره باید الزامات امنیتی رژیم صهیونیستی را حفظ کند، موقعیت خود را در جهان و در وضعیت عربی تعمیم داده و نقش بالانسری خود را گسترده کرده اما با فرآیند معامله قرن و صلح ابراهیم این جایگاه از اردن زائل شده و این کشور موقعیت اساسی خود را در وضعیت موازنه‌گری از دست داده است. درحال حاضر رژیم صهیونیستی تنها با کشورهای حوزه مقاومت مانند سوریه و لبنان و کشوری مثل الجزایر در عربی شمال آفریقا ارتباطی ندارد اما با سایر کشورهای عربی توانسته از طریق توافقات دو جانبه این مساله را حل‌وفصل کند، بنابراین اردن به این نیاز دارد که وضعیت کرانه باختری منتهب نشود و طوفان الاقصی را به هیچ وجه نمی‌پسندد. موضوع حمایت از مقاومت به هیچ وجه در دستور کار اردن قرار ندارد. دولت اردن در جریان جنگ ۳۳ روزه تابستان ۲۰۰۶ لبنان و رژیم صهیونیستی دست‌وبال جریانات اسلامی را از اینکه بخواهند در کفه مقاومت ظاهر شوند، بست. در عملیات طوفان الاقصی این امکان و ظرفیت را نه تنها به فلسطینی‌های داخل اردن نمی‌دهد، بلکه مانع از این ظرفیت می‌شود که در کرانه باختری متبلور شود، زیرا احساس خطر می‌کند و این را به عنوان تهدید امنیت ملی خود می‌بیند. در بحران سوریه هم اردنی‌ها دست به عصا حرکت کردند، اعتقاد و اعتماد اولیه این بود وضعیت در سوریه متحول خواهد شد، دچار دگردیسی خواهد شد و این را به‌عنوان یک هبه و هدیه می‌دیدند اما بعد از دوسال ملک عبدالله بر این اqtان پیدا کرد که وضعیت بشار اسد مستحکم است و باید مناسبات خود را گسترش دهد و مانع از تهدید امنیتی گروه‌های افراط‌گرای اسلامی سازمان دولت اسلامی (داعش) علیه سرزمین اسلامی شود. اردنی‌ها همواره درصددند با کاهش سطح تهدید امنیت ملی و منافع ملی خود زمینه‌ها و بستر مناسبات اقتصادی را در سطح منطقه‌ای گسترش دهند که وضعیت سفره معیشتی و اقتصاد قابل تحمل باقی بماند و اردن بتواند از التهابات منطقه‌ای عبور کند. اردن، عراق را به‌عنوان عمق استراتژیک خود فرض می‌کند که با سقوط حزب بعث عراق دچار تهدید و مخاطرات شدید شده و همچنین شامات که عبارتند از سوریه، لبنان و فلسطین به‌عنوان عمق تمدنی و فرهنگی خود فرض می‌کند و همیشه در این مناطق به‌صورت منسجم حضور دارد تا بتواند از این ظرفیت فرهنگی و تمدنی بهره لازم را ببرد. حائز اهمیت است که اردن در پوشش مناسبات اقتصادی ای با حضور آمریکا تلاش دارد هم امنیت خود را تضمین کند، هم مانع از تسری تهدید امنیتی رژیم صهیونیستی به درون سرزمین‌های خود باشد، هم جلوه مقاومت اسلامی را در وضعیتی کرانه مدیریت و کنترل کند، هم به وضعیت امنیت اسرائیل کمک کند و هم فضای جامعه را از رویه‌ها یا تفکرات حوزه مقاومتی جریان‌های اسلامی محفوظ و مصون نگه دارد. اردن به‌شدت کنترل جریان‌های اسلامی را در دست دارد و اجازه فعالیت به جریان‌های اسلامی مخصوصا اخوان‌المسلمین را نمی‌دهد و نخواهد داد و احساس می‌کند در ائتلاف‌های بین‌المللی از طریق کاستن سقف تهدید و ایجاد موازنه تهدید می‌تواند بر وضعیت حکمرانی خود تسلط داشته باشد.

### فضای اجتماعی اردن

**دوسوم جمعیت اردن فلسطینی هستند اما بخش مهمی از جمعیت این کشور را اعراب باده‌نشین تشکیل می‌دهند که به‌عنوان ساکنان اصلی شناخته می‌شوند و رقابتی با فلسطینی‌ها دارند. نگاه اعراب باده‌نشین به‌عنوان جمعیت اصلی اردن نسبت به مساله فلسطین چیست و نسبت به عملیات طوفان الاقصی چه دیدی دارند؟ آنها در فضای اعتراضی در اردن دخیل بوده‌اند؟ عملیات طوفان الاقصی چه تاثیری در فضای اجتماعی اردن گذاشته است؟**

در دموگرافی اردن، اردنی‌های اصیل را در منطقه شرق این کشور داریم. این گروه بخش کوچکی از جامعه اردن را تشکیل می‌دهند. اردنی‌های اصیل قبیله‌ای هستند و اردن را باید یک کشور قبیله‌ای دانست. البته گروه‌های دیگری هم در اردن حضور دارند. هر جایی در جهان عرب دچار بحران و چالش شده سیل مهاجرت به اردن شکل گرفته است. در مهاجرت‌هایی که بعد از جنگ جهانی دوم اتفاق افتاد، بخشی از جمعیت حوزه امپراتوری روس‌ها و حوزه شوروی به شامات کوچ کرده‌اند. این جمعیت در سوریه و لبنان حضور دارند اما بخش اعظم آنها به اردن آمده‌اند و به آنها چرکس گفته می‌شود. چرکس‌ها که در حوزه روسیه تزاری حضور داشتند با وقوع جنگ‌ها به این منطقه کوچ داده شدند. بدنه اصلی آنها در اردن سکونت دارند. اگر در لایه‌های امنیتی کاخ و دربار دقت کنید افرادی را می‌بینید که کلاه‌های پوستین قزاقی دارند یا پلنگ‌ها و گنجه‌های بلند دارند و اساسا ساخت فرهنگی و هنری اردن بخشی مربوط به این چرکس‌ها می‌شود. جامعه اردن آن را به‌عنوان یک نقل فرهنگی در خود هضم کرده است. گروه دیگر دروزی‌ها هستند که در سطح منطقه پراکنده شده‌اند و بخش اعظم‌شان در سوریه نزدیک مرز درعا حضور دارند. بخشی از دروزی‌ها در اردن ساکنند. البته دروزی‌ها در لبنان هم ساکن هستند که حوزه مشایخی و رهبری سیاسی بخش اعظم آنها در لبنان است. ولید جنبلاط از دروزی‌های لبنان در طیف غرب‌گرای ۱۴ مارس جای می‌گیرد. البته جریان ۸ مارس لبنان هم که نزدیک به مقاومت است، دروزی‌های متمایل به مقاومت را در خود جای داده است. براساس جنگ‌های گذشته که در یمن به‌وقوع پیوسته بخشی از یمنی‌ها، ائمه یمن و بزرگان این کشور به اردن کوچ کرده‌اند و مدفن آنها در اردن است. براساس فرآیند سایکس–پیکو، یکی از فرزندان شریف حسین از حجاز به دستور بریتانیا به اردن آمد و عهده‌دار حاکمیت آن شد. آنهایی که در حجاز بودند، یعنی خاندان شریف حسین، هاشمی هستند و به‌لحاظ سلسله مراتب شجره‌نامه، حسنی نامیده می‌شوند. شجره‌نامه آنها به امام حسن(ع) می‌رسد و این از نکاتی است که اردنی‌ها احساس می‌کنند با جامعه تشیع علوی در حوزه عربی می‌توانند این قرابت، نزدیکی، همگرایی و همسانی را ایجاد کنند. زمانی که در جهان اسلام اکثر جمعیت ایران اهل تسنن بودند، به‌طور همزمان اردن تنها منقله شیعی در غرب آسیا به حساب می‌آمد. علاوه‌بر گروه‌های مهاجری که در اردن هستند به‌لحاظ کار و بافت اجتماعی و حوزه اشتغال بخشی از مردم مصری، فرآیند دموگرافی جامعه اردنی را تشکیل می‌دهند. بخشی از کشورهایی مثل یمن، کشورهای همجوار مثل عربستان سعودی به‌لحاظ قرابتی که در منطقه تبوک و مزیهای جنوبی یعنی مرز مشترک بین اردن و عربستان است اینجا هم هستند که ارتباط قبیایی با هم دارند و تردد و رفت‌وآمد قبیایی با هم دارند.

اردنی‌های اصیل توانسته‌اند شکل قبیایی خود را حفظ کنند. این گروه همچنان در فرآیندی رو به جلو از ابتدای منازعات اعراب با اسرائیل، همچنان در جو منازعه در شکل منطقه‌ای خود هستند. آنها حمایت‌های خود را در جنگ ۳۳ روزه تابستان ۲۰۰۶ از حزب‌الله لبنان علنی کرده‌اند ولی با فرآیند تنش‌ظلمی و امنیتی اردن مواجه شده‌اند. نتیجه‌های شدید سبب شده حمل‌وفشک دیپریکل حزب‌الله یا پرچم حزب‌الله جرم محسوب و مستلزم و مستوجب زندان و تادیب سیستم‌های امنیتی اردن شود، پس مانع از حمایت اردنی‌های اصیل از مقاومت شده‌اند. در وضعیت طوفان الاقصی همانطور که دیدید مردم به سفارت رژیم صهیونیستی هجوم بردند و سفارت را با کوکتل مولوتف مورد حمله و هجوم خود قرار دادند و بلافاصله در پناه امنیتی اردن، سفیر و دیپلمات اسرائیلی از اردن خارج شدند. مردم به این قناعت نکردند ولی روانه بحرالملت و پل ارتباطی بین اردن و فلسطین اشغالی یعنی پل ملک حسین شدند تا بتوانند از مسیر گذر کرده و ششم خود را نسبت به کشار وحشیانه ساکنان غزه به نسبت جمعیتی بپذیرند. نشان دهند. وضعیت اردن در معاهده وادی عربیه، بخشی از سلسله نظامات صیانت و حفظ امنیت رژیم صهیونیستی است و رژیم حاکم بر پادشاهی اردن هاشمی فرصتی به مردم اردن نخواهد داد، چه مردم اصیل اردن و چه فلسطینی‌هایی که در اردوگاه‌های پراکنده در سطح پایتخت یا اطراف پایتخت حضور دارند و دوسوم جمعیت را تشکیل می‌دهند. اگر این اجازه و فرصت را بدهند طبیعتا آنها در وضعیت کرانه باختری و معادلات امنیتی مقاومت مخصوصا فلسطینیان علیه رژیم صهیونیستی می‌توانند تاثیرگذار باشند. این وضعیت وجود دارد. مردم اردن روند سیاسی حکمرانی را برنمی‌تایند و قبول ندارند اما با توجه

به تنگناهایی که علیه آنها اعمال می‌شود طبیعتا در فرآیند حمایت از مقاومت اسلامی ملت مظلوم فلسطین نمی‌توانند نقش اساسی و بالقوه‌ای در سطح منطقه و کشور خود داشته باشند.

### ایران و آینده غزه

**آیا حاکمیت اردن نسبت به بحث کوچ مهاجران فلسطینی برنامه‌ای دارد؟ آیا مهاجران فلسطینی را خواهد پذیرفت یا خیر؟ سناریوهای پیش‌روی غزه چیست؟ حاکمیت اردن برای دوران بعد از جنگ چه پلن‌هایی دارد؟ در بلوک غرب بازی می‌کند و در این جهت چه تعاملاتی با ایالات متحده خواهد داشت؟ آیا پلنی برای آتش بس وجود دارد؟ بر فرض اینکه بنا باشد حکومت انتقالی در غزه تشکیل شود نقش حاکمیت اردن را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

در وضعیت کوچ اجباری اردن هم همان الزامات مصر را دارد. کوچ اجباری را نمی‌پذیرد، چون ناقض معاهدات است و آنها را برهم می‌زند. درحقیقت ناقض حوزه امنیت ملی مصر تلقی می‌شود و قاهره هم کوچ اجباری غزای‌ها را به درون منطقه شبه جزیره سینا و منطقه عریش نخواهند پذیرفت.

در اردن هم این وضعیت وجود دارد. هرچه التهابات سرزمین‌های اشغالی یا حوزه تشکیلات خودگردان در کرانه تشدید شود رژیم صهیونیستی دست به تخریب منازل فلسطینی‌ها می‌زند و تمام خاندان کسانی که در اقدامات جهادی شرکت کنند یا تخریب خانه و مسکن خودرومادر و دیگر بستگان مواجه می‌شوند. این تشدید بحران در سرزمین‌های کرانه باختری می‌تواند به کوچ اجباری فلسطینی‌ها به اردن منجر شود ولو به‌صورت ظاهری و شکلی هم که باشد پادشاهی اردن اسکان فلسطینیان را نخواهد پذیرفت و این مساله می‌تواند تهدیدی در وضعیت و منافع ملی اردن شمرد شود.

در اردن از گذشته مخصوصا از زمان قبل از ترامپ مناطقی را برای فلسطینی‌ها در اردن در نظر گرفتند که با سرمایه کشورهای حوزه خلیج فارس مخصوصا امارات و عربستان سعودی ساخته شدند. در حال حاضر در اردن شهرک‌هایی وجود دارد که به‌صورت مجهز تمام امکانات زندگی یک شهر در پوشش بالغ بر ۱۰۰ هزار نفر را دارند. این خانه‌ها هنوز کلید نخورده و تمام زیرساخت‌های شهرکی برای آن تعبیه شده‌اعم از مدرسه، اعم از فرهنگی، اجتماعی و فرهنگی و حتی معیشتی و اقتصاد معیشتی و تجاری! اینها آماده شده تا در وضعیت کوچ اجباری استفاده شوند. تعدادی از فلسطینی‌ها احتمال داشت به دنبال بحران سوریه از این کشور رانده شوند، فلسطینی‌هایی نیز پس از سقوط حزب بعث از عراق رانده شدند زیرا با توجه به تعاملی که با حزب بعث داشتند مردم عراق حاضر به پذیرش آنها نبودند. این گروه نیز به اردن آمدند. همچنین در ساخت این خانه‌ها نگاهی هم به کوچ اجباری فلسطینی‌ها از کرانه‌باختری وجود داشت. این شهرک‌ها و اردوگاه‌ها با سرمایه‌های مالی کشورهای حوزه خلیج‌فارس ساخته شده و به‌تدریج اعمال فشارهای بر حکومت اردن صورت گرفت. اساسا دولت اردن اختیاری از خود ندارد که واکنشی در مقابل کوچ اجباری نشان دهد. در معامله قرن مخصوصا صلح ابراهیم این موضوع به‌وضوح نشان داده شد که اردن جزئی از جغرافیای سیاسی معامله قرن است و باید بپذیرد و این فرآیند بر اساس حکمرانی ترامپ و جمهوریخواهان به اردن تحمیل شد؛ گرچه اردن خواهان این نبود ولی در قد و قواره تعرض و تناقض با این سیاست‌ها در حوزه منطقه‌ای نیست و نخواهد بود و باید در برابر خواست آنها تمکین کند. آن چیزی که در فرآیند سیاسی اساسی به نظر می‌رسد تلاش برای ادغام سیاسی فلسطینی‌ها در اردن است. اعمال فشار کشورهای توسعه‌یافته اروپای غربی و آمریکا سبب شد فلسطینی‌های مقیم اردن به‌صورت نخبگان سیاسی درآیند و از حقوق سیاسی برخوردار شوند و در پارلمان اردن مشارکت کنند. رفته‌رفته در انتخابات پارلمانی که در اردن برگزار می‌شود فلسطینی‌ها کرسی‌های خود را در فرآیند مجلس و قانونگذاری اردن مستحکم می‌کنند، حتی نخبگان سیاسی در سطح نخست‌وزیری اردن هم داشته‌ایم که اصالتا برای ناپلس در سرزمین فلسطین بود. گرچه تعداد اینها بالانست ولی این فرآیند نشان می‌دهد در ادامه اردن از کشور پادشاهی هاشمی به کشور پادشاهی اتحاد عربی یا کشور متحد عربی تغییر عنوان و فاز می‌دهد. این مساله در معامله قرن و صلح ابراهیم دیده شده به گونه‌ای که اردن باید تغییر ماهیت دهد و از ماهیت اردنی به کشور پذیرنده ائتلاف بین‌المللی شود و حکمرانی را بر اساس تقسیم سهم و نسبت جمعیتی بپذیرد. اگر پادشاه فلسطینی باشد نخست‌وزیر باید اردنی باشد و در فرآیند مجلس باید سهم هر یک از دو طرف در فرآیند تقنینی هم مشخص و به‌صورت متوازن تقسیم شود.

در رابطه با آینده غزه پس از جنگ آنچه حائزاهمیت به حساب می‌آید این است که در سفرهایی که آنتونی بلینکن، وزیرخارجه آمریکا به سرزمین‌های اشغالی داشت، سه سناریو مطرح شد. سناریوی اول قرار گرفتن غزه در پناه نیروهای پاسدار مسلح و ائتلاف بین‌المللی بود که آمریکایی‌ها این گزینه را قبول نمی‌کنند زیرا برای آنها هزینه دارد. اسرائیل نیروهای یونیفل و نیروهای پاسدار صلح را بدون در اردن از گذشته مخصوصا از زمان قبل از ترامپ مناطقی را برای فلسطینی‌ها در اردن در نظر گرفتند که با سرمایه‌های کشورهای حوزه خلیج فارس مخصوصا امارات و عربستان سعودی ساخته شدند. در حال حاضر در اردن شهرک‌هایی وجود دارد که به‌صورت مجهز تمام امکانات زندگی یک شهر در پوشش بالغ بر ۱۰۰ هزار نفر را دارند. این خانه‌ها هنوز کلید نخورده و تمام زیرساخت‌های شهرکی برای آن تعبیه شده‌اعم از مدرسه، اعم از فرهنگی، اجتماعی و فرهنگی و حتی معیشتی و اقتصاد معیشتی و تجاری! اینها آماده شده تا در وضعیت کوچ اجباری استفاده شوند.

در اردن از گذشته مخصوصا از زمان قبل از ترامپ مناطقی را برای فلسطینی‌ها در اردن در نظر گرفتند که با سرمایه‌های کشورهای حوزه خلیج فارس مخصوصا امارات و عربستان سعودی ساخته شدند. در حال حاضر در اردن شهرک‌هایی وجود دارد که به‌صورت مجهز تمام امکانات زندگی یک شهر در پوشش بالغ بر ۱۰۰ هزار نفر را دارند. این خانه‌ها هنوز کلید نخورده و تمام زیرساخت‌های شهرکی برای آن تعبیه شده‌اعم از مدرسه، اعم از فرهنگی، اجتماعی و فرهنگی و حتی معیشتی و اقتصاد معیشتی و تجاری! اینها آماده شده تا در وضعیت کوچ اجباری استفاده شوند.

در معامله قرن مخصوصا صلح ابراهیم این موضوع به‌وضوح نشان داده شد که اردن جزئی از جغرافیای سیاسی معامله قرن است و باید بپذیرد و این فرآیند بر اساس حکمرانی ترامپ و جمهوریخواهان به اردن تحمیل شد؛ گرچه اردن خواهان این نبود ولی در قد و قواره تعرض و تناقض با این سیاست‌ها در حوزه منطقه‌ای نیست و نخواهد بود و باید در

نیروهای امنیتی و نظامی آمریکا نخواهد پذیرفت. حضور نیروهای امنیتی می‌تواند برای آمریکا هزینه‌بردار باشد و این در فرآیند افکار عمومی آمریکایی اگر تلفات و هزینه بدهند تاثیر منفی می‌گذارد و در رقابت‌های انتخاباتی مخصوصا انتخابات پمپه پینش رو در ۲۰۲۴، تاثیر شگرف خواهد داشت. پس این سناریو خیلی پذیرفته نیست. سناریوی دومی که مطرح شد طرح قیومیت غزه به کشورهای عربی یا اسلامی مثل ترکیه، امارات، عربستان و قطر است. این کشورها باید سهم خود را از بازسازی غزه ارائه کنند و غزه بازسازی شود. بر این اساس پس از بازسازی قیومیت حوزه امنیت را رژیم صهیونیستی برعهده می‌گیرد و این نظیر معیشتی کشورهای اسلامی و عربی عهده‌دار اوضاع می‌شوند. کشورهای عربی این سناریو و این اصل را به‌طور کامل مطرود دانستند و نپذیرفتند و حاضر نیستند قیومیت غزه را بپذیرند. در سومین سناریو، بلینکن پیشنهاد داد که محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان مسئولیت اداره غزه را بپذیرد و او از این پیشنهاد خرسند است. تاریخ مصرف محمود عباس تمام شده و بر اساس فرآیند قانونی پس از انتخابات مجلس قانونگذاری در سال ۲۰۰۶ که حماس برنده آن انتخابات شد، رسما و علنا مشروعیت سیاسی خود را از دست داد. این حمایت می‌تواند جایگاه او را در فرآیند سلطه مستحکم کند. محمود عباس از این پیشنهاد خرسند است و تعهداتی در این خصوص دارد. محمود عباس به الزامات امنیتی طرف صهیونیستی در معاهدات امنیتی مشترک کرانه‌باختری متعهد است و می‌تواند از طریق فرآیند کرانیزه (اداره نوار غزه همانند کرانه‌باختری) کردن غزه و تبدیل غزه به کوانتوم‌های امنیتی با نظارت و اشراف مستقیم رژیم صهیونیستی، وضعیت این منطقه را کنترل کند. کشورهای عربی هم از این سناریو استقبال کردند اما با وجود اینکه هنوز نتانیاهو به عنوان نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی دستاوردی در معادلات به دست نیاورده، امکان این امر ضعیف است. صهیونیست‌ها براساس خواست و تعیین هدفی که کردند، تخلیه غزه با کوچ اجباری را در نظر دارند. الان دو طرح مطرح است که یکی طرح مصری است که روی زمین قرار دارد. جنبش حماس و جهاد اسلامی در بیانیه‌هایی که دادند با بیانیه مشترکی که اعلام کردند، طرح مصری را مطرود دانستند. طرح مصری عبارت از این است که جهاد اسلامی و حماس سلاح خود را زمین بگذارند و از غزه خارج شوند و غزه را به معادلات امنیتی بسپارند که بر اساس فرآیند رژیم صهیونیستی و سلطه کشورهای عربی شکل می‌گیرد. جنبش‌های مقاومتی این طرح را رد کردند. طرح دوم به قطر مربوط است که برخاسته از مذاکرات مشترکی است که به‌صورت غیرمستقیم با رژیم صهیونیستی از طرف حماس انجام می‌دهد. طرح آنها آتش‌بس موقت است ولی با ظرف زمانی بیشتر از آتش‌بس قبلی که هفت روزه بود. آتش‌بس دوم دارای یک بازه زمانی سه‌الی چهار ماهه است که در قالب آن تبادل اسرا و گسترده‌گی ابعاد آتش‌بس مطرح است تا بلکه از طریق این امر ذیل کمک‌های انسان‌دوستانه، بحث بازسازی هم کلید بخورد و منجر به آتش‌بس بلندتر شود.

در وضعیت نهایی اساسا حکومت و دولت در فلسطین نداریم که بحث حکومت انتقالی به عنوان مفهوم سیاسی از آن مستفاد شود. آن چیزی که وجود دارد در قالب و چهارچوب همگرایی و همکاری‌های امنیتی و نظامی است. بیشتر امنیتی است چون ساختار امنیتی دارد و رژیم صهیونیستی در معاهدات مشترک باید مفهوم سازی و تعریف شود و براساس این قاعده بتوانند وضعیت تضمین امنیت رژیم صهیونیستی را متعهد شوند.

#### ناکون اردن در خصوص بحث آتش‌بس راه‌حلی را ارائه کرده است؟

آن چیزی که از نیات درونی اردن و مصر برمی‌آید نشان می‌دهد آنها می‌خواهند در فرصت به‌دست‌آمده، مقاومت در سطح منطقه مخصوصا مقاومت اسلامی فلسطین ریشه‌کن شود. این جزء خواست مشترکی است که کشورهای منطقه مخصوصا اردن و مصر با رژیم صهیونیستی در این قاعده و مبحث هم پیمان هستند. بنابراین تلاشی به آن مفهوم که مردم فلسطین بخواهند از گزند آتش‌باری متوحش رژیم صهیونیستی نجات پیدا کنند وجود ندارد اما آن چیزی که وجود دارد نگرانی از تهدید امنیت ملی آنها بر اساس کوچ اجباری است. هرچه دامنه و زمان جنگ طولانی‌تر شود احتمال دارد سبب شود مردم ناچار شوند از غزه خارج شوند یا حتی بر اساس فرآیندهای امنیتی ناچار از کوچ اجباری از کرانه‌باختری باشند. آن التزامات امنیتی دو جانبه به‌وجودآمده بر اساس فرآیند کمپ دیوید و وادی عربیه، توافقات مشترک با طرف رژیم صهیونیستی طبیعتا خدشه‌دار خواهد شد و این مانع از ثبات و تداوم امنیت در منطقه بر اساس رویکرد و دیدگاه‌های اردن و مصر خواهد بود. بنابراین آتش‌بس تنها از یک زاویه از دیدگاه و رویکرد مصر و اردن مفهوم‌سازی می‌شود و می‌تواند مفهوم پیدا کند؛ اینکه هرچه سریع‌تر وضعیت تهدید امنیتی و برهم خوردن موازنه امنیتی منطقه‌ای کاهش یابد. در غیر این صورت دفاع از مظلومیت ملت فلسطین یا دفاع از فلسطین‌ها به‌عنوان امر آرزوی کشورهای حوزه بی‌پرامونی فلسطین اشغالی نیست.

هستند و به‌لحاظ سلسله مراتب شجره‌نامه، حسنی نامیده می‌شوند. شجره‌نامه آنها به امام حسن(ع) می‌رسد و این از نکاتی است که اردنی‌ها احساس می‌کنند با جامعه تشیع علوی در حوزه عربی می‌توانند این قرابت، نزدیکی، همگرایی و همسانی را ایجاد کنند. زمانی که در جهان اسلام اکثر جمعیت ایران اهل تسنن بودند، به‌طور همزمان اردن تنها منطقه شیعی در غرب آسیا به حساب می‌آمد.

<div><div><span><span>🇮🇷</span></span><div><div><span><span></span></span></div><div><div>🇮🇷</div></div></div></div><div></div></div>
<div><div><span><span>در اردن از گذشته مخصوصا از زمان قبل از ترامپ مناطقی را برای فلسطینی‌ها در اردن در نظر گرفتند که با سرمایه‌های کشورهای حوزه خلیج فارس مخصوصا امارات و عربستان سعودی ساخته شدند. در حال حاضر در اردن شهرک‌هایی وجود دارد که به‌صورت مجهز تمام امکانات زندگی یک شهر در پوشش بالغ بر ۱۰۰ هزار نفر را دارند. این خانه‌ها هنوز کلید نخورده و تمام زیرساخت‌های شهرکی برای آن تعبیه شده‌اعم از مدرسه، اعم از فرهنگی، اجتماعی و فرهنگی و حتی معیشتی و اقتصاد معیشتی و تجاری! اینها آماده شده تا در وضعیت کوچ اجباری استفاده شوند.</span></span></div></div>
<div><div><span><span>در معامله قرن مخصوصا صلح ابراهیم این موضوع به‌وضوح نشان داده شد که اردن جزئی از جغرافیای سیاسی معامله قرن است و باید بپذیرد و این فرآیند بر اساس حکمرانی ترامپ و جمهوریخواهان به اردن تحمیل شد؛ گرچه اردن خواهان این نبود ولی در قد و قواره تعرض و تناقض با این سیاست‌ها در حوزه منطقه‌ای نیست و نخواهد بود و باید در</span></span></div></div>

## نکات مهم

بلکه او را تحت پوشش اطلاعات و سرویس داخلی شین‌تین قرار داده است. این نکته حائز اهمیت است.

اردن همچنان در تهدید شکل‌گیری کشورآینده فلسطینی است و این احتمال وجود دارد که امیرحسین فرزند ملک عبدالله که از مادری فلسطینی و اهل ناپلس و از خاندان آل‌یاسین است، بعد از عبدالله اگر بر تخت بنشیند به عنوان پادشاه فلسطینی شناخته شود. صهیونیست‌ها همواره نیم‌نگاهی به اردن از دریچه مشکلات پناهندگی و پرونده‌های لاینحل فلسطینی داشته‌اند.

بخش اعظمی از فلسطینی‌ها در اردن حضور دارند و قسمتی از آنها توانسته‌اند در ساختار سیاسی اردن جذب شوند و به مقامات بالا و نخبگان جامعه اردن افزوده شوند. با این حال بخش بزرگی از فلسطینی‌ها دارای حقوق اساسی نیستند. اساسا نمی‌توانند اشتغالزایی داشته باشند، منبع درآمد برای خود ندارند و نمی‌توانند به فلسطین اشغالی تردد کنند. بخش کوچکی از آنها تعهدات لازم و التزامات طرف اسرائیلی را پذیرفتند و کارت‌های ترددی دارند که از طریق پل ملک حسین تردد می‌کنند. لکن بخش بزرگتر فلسطینی‌ها به صورت طبیعی و به صورت کوچ اجباری در اردن سکنی دارند و از حقوق اساسی و فرآیند اشتغالزایی هم محروم هستند و به عنوان پناهنده در اردوگاه‌ها سکونت دارند.

آنهایی که در حجاز بودند، یعنی خاندان شریف حسین، هاشمی

**مدیرمسئول:**

■ محمدامین ایمانجانی

**قائم‌مقام مدیرمسئول:**

■ مسعود فروغی

**سردبیر:**

■ محمد زعیم‌زاده

**تلفن و فکس:**

۰۲۱ ۶۲۹۹۹۴۵

**کدپستی:**

۱۱۲۵۳۳۸۱۶

**چاپ:**

■ چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی

**نشانی:**

■ خیابان حافظ،پایین‌ترازجمهوری

■ روی‌روی ساختمان‌پرس

■ ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

# ۱۶